



بازگشت به سوی خدا؛ مهم‌ترین رسالت انسان در روی زمین

نصیب ابلیس از مخالفت با فرمان الهی «رجم» و نصیب انسان هبوط به معنای بُعد با امکان بازگشت است که در اصطلاح دینی بدان «توبه» می‌گویند و مهم‌ترین رسالت انسان در روی زمین، همین بازگشت به سوی خداست.

بازگشت به سوی خدا؛ مهم‌ترین رسالت انسان در روی زمین/ تشریح معنای «رشد» و «غی» نصیب ابلیس از مخالفت با فرمان الهی «رجم» و نصیب انسان هبوط به معنای بُعد با امکان بازگشت است که در اصطلاح دینی بدان «توبه» می‌گویند و مهم‌ترین رسالت انسان در روی زمین، همین بازگشت به سوی خداست.

به گزارش خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، حجت‌الاسلام و المسلمین محمدتقی فعالی، مدرس حوزه و دانشگاه و نگارنده 9 جلد کتاب در باب جنبش‌های نوظهور معنوی، در نوزدهمین نشست از سلسله نشست‌های «آسیب‌شناسی عرفان‌های کاذب» که در سازمان فعالیت‌های قرآنی دانشگاهیان کشور برگزار شد، در ادامه مباحث خود در باب عرفان‌های کاذب و به مناسبت بحث از شیطان‌پرستی یا شیطان‌گرایی، به بررسی مفهوم شیطان و ابلیس در آیات قرآن و به خصوص قصه قرآنی آفرینش و نسبت میان انسان و ملک و ابلیس پرداخت.

بخش پیشین این گفت‌وگو را اینجا بخوانید!

آدم؛ از مخالفت تا هبوط بر روی زمین

این استاد حوزه و دانشگاه با مروری بر سه بخش داستان آفرینش و سه پیشنهاد خداوند به ملک، ابلیس و انسان اظهار کرد: خداوند با هر سه (ملک، ابلیس و آدم) یک گونه معامله کرد و پیشنهادی متناسب با خود آنها به آنان داد و هر سه مخالفت کردند؛ مخالفت ملائکه ملائم، مخالفت ابلیس شدید و مخالفت آدم میانه بود.

وی ادامه داد: پس از پایان مواجهه این سه (ملک، ابلیس و انسان) با پیشنهاد الهی، هر یک از آنها نصیبی خاص خود دارند؛ بر اساس آیات نصیب ملک گذشت، نصیب ابلیس رانده شدن و صفت «رجیم» و نصیب انسان هبوط است. هبوط همان رجم است، با این تفاوت که رجم به معنای بُعد و دوری بدون امکان بازگشت و هبوط به معنای بُعد با امکان بازگشت است. از همین روی ابلیس هرگز امکان بازگشت به سمت خداوند را نداشت، اما آدم امکان بازگشت به سوی خداوند داشت و به این بازگشت، در اصطلاح دینی «توبه» می‌گویند. لذا آدم و حوا بعد از هبوط «الی الارض» روی زمین سکنا گزیده و بر اساس احادیث چهل سال همدیگر را گم کردند و بالاخره در جایی به هم رسیدند.

آدم و حوا در زمین

فعالی با اشاره به این‌که در احادیث، اقوال متعددی درباره مکان ملاقات آدم و حوا آمده است، گفت: برخی آن مکان را جای سعی (مروه و صفا) دانسته‌اند. در برخی از احادیث در وجه تمسیه مروه آمده که مروه از «مرأة» گرفته شده است؛ چون در آنجا بود که حوا آدم را پیدا کرد و علت وجه تمسیه صفا نیز آن بوده که آدم در آنجا حوا را پیدا کرد. در برخی از احادیث نیز مکان ملاقات آدم و حوا در کنار خانه خدا و در کنار حجرالاسود دانسته شده است.

این محقق و پژوهشگر عنوان کرد: آدم و حوا بعد از چهل سال که همدیگر را یافتند، اولین اقدامی که هر دو با هم کردند، مطابق آیه قرآن «فَتَلَقَىٰ آدَمُ مِن رَّبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ» (بقره/37)؛ یعنی هر دو با استفاده از کلماتی که در آیات مبهم بیان شده، به سمت خدا بازگشتند: «إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ» : چون رحیم بازگشت پذیرم و توبه‌ها را می‌پذیرم. از همین جا به دست می‌آید که مهم‌ترین رسالت انسان در روی زمین بازگشت به سوی خداست.

این مدرس حوزه و دانشگاه تشریح کرد: یکی از نکات بسیار جالب توجه آن است که اگر موجودی از نقطه «الف» به نقطه «ب» برود، در این فرآیند گفته می‌شود که از «الف» به سمت «ب» رفت. اگر موجودی از «الف» به سمت «ب» رفت و از «ب» به سمت «الف» هم رفت، به این رفتن دوم بازگشت گفته می‌شود. بازگشت هر نوع رفتنی نیست؛ بلکه به معنای رفتن به جایی است که از پیش در آنجا بوده‌اید.

هبوط؛ بُعد با امکان بازگشت

وی ادامه داد: آدم از خدا به جنت و از جنت به زمین هبوط کرد؛ هبوط به معنای بُعد با امکان بازگشت است و این بازگشت به معنای بازگشت به جایی است که از پیش در آنجا بوده است. این که انسانها توبه می کنند بدان معناست که به جایی می رسند که از پیش در آنجا بوده اند. به تعبیری انسان ها زمینی و خاکی نیستند و اصلاً جنس آنها زمینی و خاکی نیست و اگر آنها را روی زمین گذاشته اند، فقط به این جهت است که خود راه بازگشت را به سمت خدا و خالق بیابند.

یکی از نکاتی که از معجزات آیات قرآنی و ستون فقرات عرفان قرآنی است، دقیقاً در همین جا ظاهر می شود؛ هر کس بخواهد شرایطش عوض شود، باید خود را عوض کند و بدون تغییر خود شرایط بیرونی مطلقاً تغییر نخواهد کرد. این آیه (رعد/11) تصریح می کند که خداوند آنگاه نگاه و رفتارش با انسان ها عوض می شود که خود انسان ها تصمیم به تغییر و تحول بگیرند

تشریح معنای «رشد» و «غی»

فعالی تصریح کرد: ماجرا به همین جا خلاصه نمی شود و تکمله ای دارد و آن این که وضعیت انسان در روی روی زمین از دو حالت بیرون نیست و قرآن در جاهای مختلف به این مهم اشاره کرده است. یکی از این نمونه ها آیه شریفه «قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ» (بقره/256) است. وضعیت انسان در روی روی زمین از دو حالت بیرون نیست و آنان یا اهل «رشد» و یا اهل «غی» هستند.

این محقق و پژوهشگر در توضیح این مفاهیم گفت: «غی» از غوايه گرفته شده است؛ در یکی از آیات قرآن آمده است: «وَعَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى» آدم به پروردگار خود عصیان ورزید و بیراهه رفت» (طه/121)؛ این «غوی» در این آیه همان «قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ» است. غی یا غوی از غوايه گرفته شده و غوايه دقیقاً به معنای سقوط است که نام دیگر این سقوط همان هبوط است.

وی با مروری دیگر بر آیه شریفه «قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ» تصریح کرد: «غی» به معنای سقوط و به قرینه مقابله «رشد» به معنای صعود است؛ یعنی وضعیت ما آدمیان بر روی زمین بعد از هبوط از دو حالت بیرون نیست؛ یا با عمل خود در حال سقوط و یا در حال صعودیم و هیچ انسانی در دو لحظه زمان، در این جهان که نامش دنیا است، حرکت افقی ندارد و درجا نمی زند.

این مدرس حوزه و دانشگاه خاطرنشان کرد: وضعیت انسان ها روی زمین از دو حالت بیرون نیست؛ یا در حال سقوط و یا در حال صعود هستند؛ به سقوط او «غوايه» و به صعود او «رشد» می گویند و رشد براساس نگاه قرآنی به معنای صعود و بالا رفتن است و در دین فقط سخن از بالا آمدن است: «إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ» (فاطر/10).

وی افزود: همچنین در حدیثی زیبا آمده است: «اقْرَأْ و ارفع؛ بخوان و بالا بیا»؛ چون قرآن «حبل ممدود» یعنی ریسمان آویخته است. این جهان، جهان عمودی و جهان طولی است و ما در این جهان وضعیت عرضی و افقی مطلقاً نداریم. هر انسانی محکوم به هبوط در روی زمین هستید و «آدم آورد مرا در این خاکدان طبیعت» تا با عمل خود به سمت بالا بازگردیم.

رسالت ما صعود است

فعالی تصریح کرد: رسالت ما صعود است، ولی وضعیت اکثر ما سقوط است. به عنوان مثال اگر شما یا هر انسان دیگری روزانه هزار عمل انجام دهد، از این هزار عمل او، اگر خوش بینانه و سخاوتمندانه بنگریم هشتصد عمل خوب و دویست عمل مخالفت خدا است. با هر يك عمل گناه و عصیان وضعیت انسان سقوط است و بنابراین این انسان در هر روز هشتصد پله سقوط و دویست پله صعود دارد و این وضعیت در طول چند ده سال عمر انسان ها ادامه می یابد و از همین روی باید گفت که عموم عادی انسان ها دائم السقوط هستند، مگر آنکه که لطف خدا شامل شود.

وی بیان کرد: البته لطف خدا آن زمان شامل حال انسان می شود که انسان با عمل خود، خود را نشان بدهد و کمترین حق خدا در این جهان این است که ما با استفاده از امکانات او، علیه او اقدام نکنیم. مراد از اقدام علیه عصیان، طغیان، خطا، معصیت و اشتباه است و اصلاً از آن روی به «معصیت»، معصیت گفته می شود که از عصیان گرفته شده و عصیان دقیقاً همان طغیان است.

با نعمت های خداوند علیه او عصیان نکنیم

این محقق و پژوهشگر اضافه کرد: يك گناه يك مخالفت مقابل خدا و يك طغیان و مخالف علیه فرمان حق است و کمترین حق خدا در این جهان بر ما این است که با استفاده از داده های او و امکاناتی که – چه به لحاظ درونی و چه به لحاظ بیرونی – او در اختیار ما

قرار داده است، علیه او عصیان نکنیم؛ آیا اگر پدری به فرزندش يك ميليارد پول داد تا به عنوان سرمایه، زندگی خود را اداره کند و پسر به جای سرمایه کردن و کسب و کار حلال انجام دادن، با آن پول علیه پدر اقدام کرد، آن پدر چه کار باید بکند؛ مثال ما آدمیان اگر این‌گونه نباشد، از این بدتر است.

«#غی» به معنای سقوط و به قرینه مقابله «#رشد» به معنای صعود است؛ یعنی وضعیت ما آدمیان بر روی زمین بعد از هبوط از دو حالت بیرون نیست؛ یا با عمل خود در حال سقوط و یا در حال صعودیم و هیچ انسانی در دو لحظه زمان، در این جهان که نامش دنیا است، حرکت افقی ندارد و درجا نمی‌زند

وی اظهار کرد: ما آدمیان از امکاناتی که خداوند به ما داده، علیه او استفاده می‌کنیم و این دقیقاً به معنای عصیان و طغیان کردن است. بهترین وضعیتی که انسان در این جهان می‌تواند داشته باشد، این است که خود را متحول کند: «#إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ؛ در حقیقت خدا حال قومی را تغییر نمی‌دهد تا آنان حال خود را تغییر دهند» (رعد/11).

تغییر و تحول درونی؛ سرچشمه تمام اصلاحات و تحولات بیرونی

این مدرس حوزه و دانشگاه تصریح کرد: این آیه شریفه به اصل تغییر، تحول و دگرگونی اشاره می‌کند و تا ما آدمیان تصمیم به تحول نگیریم، شرایط پیرامونی ما مطلقاً تغییر نخواهد کرد. اکنون شرایط هر کدام از ما به لحاظ مالی، امکانات، ذهنی، احساسات، خانه، همسر، فرزند، رفتار با دیگران و ... شرایط موجود شماست و آیا هر يك از شما از این شرایط راضی هستید؟! طبیعی است که هیچ‌کس به شرایط خود راضی نیست.

وی عنوان کرد: یکی از نکاتی که از معجزات آیات قرآنی و ستون فقرات عرفان قرآنی است، دقیقاً در همین جا ظاهر می‌شود؛ هر کس بخواهد شرایطش عوض شود، باید خود را عوض کند و بدون تغییر خود شرایط بیرونی مطلقاً تغییر نخواهد کرد. این آیه (رعد/11) تصریح می‌کند که خداوند آنگاه نگاه و رفتارش با انسان‌ها عوض می‌شود که خود انسان‌ها تصمیم به تغییر و تحول بگیرند.

فعالی در تشریح این مطلب گفت: اگر دوست دارید چیزی را داشته باشید که اینک ندارید، باید کسی باشید که هم‌اینک نیستید. اگر صد سال دیگر هم به همین صورت باشید، هیچ اتفاقی به لحاظ بیرونی برای شما نخواهد افتاد. شرایط همین است که هست، شاید فساد، تنش‌ها و بحران‌های بیشتر هم بشود. کسی که خواهان آن است که شرایط نسبت به او پاسخ مثبت دهد، نخست باید از خودش آغاز کند.

این مدرس حوزه و دانشگاه خاطرنشان کرد: تغییر و تحول درونی سرچشمه و نقطه آغازین تمام اصلاحات و تحولات بیرونی است و هر کس می‌خواهد و دوست دارد که شرایط برای او عوض شده و چیزهای داشته باشد که هم‌اینک ندارد، باید کسی باشد که هم‌اینک نیست و راهی جز این نیست.